



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخ: ۱۴۰۱/۸/۳۰

موضوع بحث: **انسان شناسی**

(نکاتی درباره کفر انسان، سجده ملائکه و ظهور سوآت)

آیات انسان شناسی:

• اوج آیات انسان شناسی در قرآن آیات ۳۰ به بعد بقره هست که بزرگان و علماء وقتی می خواهند درباره انسان شناسی صحبت کنند از این آیات صحبت می کنند اما به نظر می رسد که دو آیه قبل یعنی آیات ۲۸ و ۲۹ هم شامل این بحث می شوند.

چرا انسان به خدا کفر می کند؟

• خداوند در آیه ۲۸ سوره بقره می فرماید: **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللّٰهِ**

وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه مرده بودید و خدا شما را زنده کرد و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت به سوی او باز گردانده می‌شوید؟!

معنی تحت لفظی آیه:

. که مگه یادتون رفته فلسفه زندگی زمینی خودتون را چگونه دارید به خدا کفر می‌ورزید؟ چرا اینقدر غفلت می‌کنید؟ شما از دنیا شروع نکردید، قبل این دنیا بوده اید!

فراموش کردن فلسفه زمینی شدن:

. چه چیزی باعث می‌شود که کفر بورزید و خدا را فراموش کنید؟ به خاطر اینکه فلسفه زمینی بودند را فراموش کرده اید. یادت رفته انسانی در مسیر سیر نزولی هستی به همین ایل که فلسفه زمینی بودن را فراموش کرده اید به خدا کافر شده اید.

خداوند برای انسان سنگ تمام گذاشته است:

• در آیه بعدی ۲۹ سوره بقره خداوند می فرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ من خدا برای تو انسان کم نگذاشته ام دنیا را برای تو خلق کرده ام، پیامبران را برای تو فرستاده ام، برای تو امامان و قرآن آورده ام چون دوست دارم از خودم بودی، از خودم دورت کردم که بگی انت رب الجلیل و أنا عبد الضلیل فکر نکنی من کم گذاشتم برات سنگ تموم گذاشتم.

فلسفه شریعت الهی:

• اگر حجاب ها را برطرف کنی می بینی که موجود نامتناهی هستی، راه بیرون رفت از این دنیا هم شریعت را فرستادم تو وقتی به این شریعت گوش کنی برایت محدودیت نیست از حجاب ها بیرون می آوری. نماز اول وقت برای بعضی از

حجاب های تو هست، روزه هم همینطور، خود حجاب هم
همینطور و...

ارزش واقعی انسان:

• خداوند گفته که تو جانشین من روی زمینی **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** این نشانه دهنده این است تو موجود ارزشمندی هستی، بعد از طرفی به ملائکه گفتم برات سجده کنند مقام تو را بالا ببینند.

شان واقعی انسان از دیدگاه علامه:

• ذیل آیه ۲۸ سوره بقره **علامه طباطبایی** می فرمایند: خداوند خطاب به آدم فرمود شما را خلیفه خودم بر روی زمین قرار دادم و ملائکه را برای سجده به شما امر فرمودم شأن تو با این وسعت وجودی که برایت فراهم آورده ام شرایط هم برایت گذاشته ام شأن تو کفر ورزیدن نیست و نبود!

خلافت انسان در عالم تشریح و تموین:

• در آیه ۳۰ آمده **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ** خداوند صحبت کرد خداوند که مثل ما زبان و دهان ندارد که با مشخصات عالم ماده صحبت کند، ملائکه هم گوش ندارند که بشنوند خداوند اینطور فرموده اند تا ما متوجه شدیم. وقتی خداوند می فرماید **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** یعنی در تمام عالم تکوین خلیفه ای اما این خلافت را از زمین شروع کرده ایم یعنی باید تکامل در زمین صورت بگیرد تا به عوالم بالاتر دست پیدا کند.

همه افراد انسان خلیفه اند:

• **علامه** در باره آیه می فرماید: خلافت یعنی همان **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** منظور شخصیت حقوقی حضرت آدم علیه السلام است نه شخصیت حقیقی آدم علیه السلام یعنی هر که انسان است خلیفه خداست _ چون **وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا** برای همه ما رخ داده است _ موضوع شخصیت حقوقی آدم است

نه حقیقی او که فرد خواستی از افراد انسانی، خلیفه الهی بودن منحصر در آدم علیه السلام نیست بلکه هر کس انسان است خلیفه است منتهی شدت و ضعف وجود دارد یکی انسان کامل در شدت قدرت و یکی مثل من در اوج ضعف.

چرایی دشمنی ابلیس با تمام انسانها:

آیت الله جوادی آملی در تکمیل سخن علامه فرمودند: به

همین جهت **شیطان** عهد بست که فرزندان آدم را گمراه می کنم پس معلوم می شود **شیطان** با مقام آدمیت دشمن است نه صرفاً حضرت آدم لذا **شیطان** از برای این علت به آدم سجده نکرده پس مشخص می شود **شیطان** با مقام خلیفه الله مشکل پیدا کرده است.

عهد شیطان برای گمراهی بشریت:

آیه ۶۲ سوره اسراء می فرماید: **قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ**

عَلَيْ لَيْنٍ أَخْرَجْنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَخْتِنِكَ ذُرِّيَّتُهُ إِلَّا قَلِيلًا شَيْطَان

به خداوند عرض کرد اینها همان کسانی هستند که به من برتری دادی اگر وقت بدی دهنه به فرزندان آدم می زنی مگر عده قلیل، پس **شیطان** با تک تک افراد بشر کار دارد چون آنها خلیفه خداوند هستند.

فلسفه زمینی شدن انسان چیست؟

• بگو فلسفه زمینی شدن ما چیست؟ آمده ایم تا بر روی زمین خلیفه خداوند بشویم

رفتن آدم علیه السلام به بهشت برزخی:

• نکته بعدی در رابطه با وجود آدم علیه السلام بر روی زمین است از همین جهت خداوند به ملائکه فرموده است می خواهم بر روی زمین خلیفه قرار بدهم از این جهت که آدم علیه السلام به عیب های خود نظر کند او را به بهشت برزخی یا بهشت امتحان برده است. ۷

ویژگی های بهشت امتحان:

• بهشت حضرت آدم و حوا علیهما السلام که بهشت برزخی گفته می شود دارای چند ویژگی بوده اول این که **شیطان** در آن راه داشته برخلاف بهشت آخرتی، دوم اینکه افراد در بهشت آخرتی مخلد هستند، سوم در این بهشت آخرتی خطای صورت نمی گیرد اما در این بهشت در ادامه گفته خواهد شد **شیطان** اولین دروغ عالم را گفت چهارم اینکه اگر این بهشت را به نسبت زمین حساب کنیم بهشت آخرتی حساب می شود و اگر نسبت به آخرت بنگریم زمینی حساب می شود این تفاوت های این بهشت است.

شناخت شیطان و مقام فریب:

• طبق نظر علامه طباطبایی آدم علیه السلام بر روی زمین بود و چون خلقت زمینی آنها تمام نشده بود قبل از آنکه به عیبهایش نظر کند آنها را داخل بهشت برد و در آن بهشت خوب

امتحان نداد مقامشان مقام فریب خوردن از **شیطان** بود، حضرت به درخت دست زد نه شخصیت حقیقی ایشان بلکه شخصیت حقوقی او که انسانیت بود تا به انسان بفهماند که خودتان زمین را انتخاب کردید.

انسان موجود نامتناهی در عالم متناهی:

• نکته بعدی **قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ**

است ملائکه عرض کردند خدایا می خواهی فساد رخ بدهد، خونی روی زمین بریزد؟ ملائکه با پی بردن به شخصیت نامتناهی انسان دیدند این موجود می خواهد نزول پیدا کند در عالمی محدود و وقتی محدود بشود فساد رخ می دهد، خونریزی می شود از این جهت سوال پرسیدند.

تزاهم در منافع جمعی:

• علامه می فرمایند: در زندگی جمعی تزاهم منافع پیش می آید

و موجب خونریزی می گردد چون نامتناهی است همه چیز را می خواهد لذا از این جهت سوال کردند که زندگی زمینی اجازه بروز خلیفه الهی را می دهد.

نور و کمال مطلق خلیفه می خواهد:

• ملائکه به خداوند عرض نکردند که چرا خلیفه انتخاب می کنی گفتند چرا ما را خلیفه خود نمی کنی **وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ** چون ملائکه هم می دانستند خداوند بدون خلیفه که دارای اسماء حسنا هست نمی شود باشد چون او سراسر نور و کمال است و این نور و کمال باید جلوه کند و جلوه کردن هم ذاتی حضرت حق است اگر جلوه نکند مقام او جواد نیست و می شود مقام بخل در حالی که در ذات کمال مطلق بخل نیست در ذات او وجود و فیض است باید افاضه کند.

خداوند جمیع جهات کمال است:

• به گفته فیلسوفان واجب الوجود، واجب الوجود است از
جميع جهات پس خداوند عین جود و فیض است پس جواد
است و تجلی می کند و اسماء خود را در مظهر تماشا قرار می
دهد ملائکه این امر را می دانستند و به خدا عرض کردند **وَنَحْنُ
نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ** ما می توانیم مجلی تجلی اسماء
تو باشیم و این توانای را هم داریم.

جواب خداوند به درخواست ملائکه:

• خداوند در جواب ملائکه فرمودند: **قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ**
به همین جهت اسماء را به تمامه به انسان آموخت **وَعَلَّمَ آدَمَ
الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا** تا با توانای که دارد مجلی تجلی خداوند بشود
سپس همان اسماء را به ملائکه عرضه کرد **ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى
الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ** به ملائکه
فرمود این اسماء من است تمام اش را به مرحله ظهور بگذارید
اگر می توانید خلیفه من باشید؟

ملائکه در جواب درخواست خدا عرض کردند **قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا
عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ** خدایا معذرت می
خواهیم ما فقط آنچیزی که به ما یاد دادی رو بلد هستیم نه



چرا ملائکه نتوانستن اسماء را بگویند:

• علامه می فرماید: ملائک به اسماء علم نداشتند و اگر منظور علوم آخموتنی بود باید بعد از عرضه آنها را می گفتند تا در حد و منزلت آدم قرار می گرفتند و چون علم به اسماء موجب شرافت آدم علیه السلام شد باید آنها هم به این منزلت می رسیدند پس این اسماء اسماء معمولی نبودند و علم بر آنها بر ملائکه هم پنهان بود و وقتی آنها را عرضه کرد ملائکه گفتند: **قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ** این نشان دهنده ظرفیت وجودی انسان است این نشان می دهد که ملائکه توان ارائه اسماء را نداشتند و از آدم علیه السلام می خواهد بنمایاند و مظهر اسماء بشود **قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۗ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ** به ملائکه اسماء را باخبر کن **قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ** پس چون بر آنها حقایقشان آشکار شد خداوند فرمود: آیا شما را نگفتم که من بر غیب

آسمانها و زمین دانا و بر آنچه آشکار و پنهان دارید آگاهم؟

حقیقت سجده ملائکه:

• بعد از آگاهی ملائک به حقیقت انسان، سجده کردند و این سجده دنیای نبود که هفت جزء بدن بخورد زمین و به تربت سجده کنید بلکه یعنی ملائک شدند مدبرات عالم که قوای وجودی عالم شدند یعنی ملائکه تماماً در اختیار انسان قرار گرفتند.

درخت ممنوعه صورت برزخی عالم ماده است:

• در آیه بعد هم آمده: **وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ** به این درخت اصلاً نزدیک نشوید! این درخت ممنوعه عالم ماده و کثرات است، صورت عالم ماده در ملکوت درخت است اگر کسی حقیقت آن شجره را بشناسد حقیقت تمام عالم ماده را می شناسد. ۱۳

نمایان شدن عیبهای آدم هدف شیطان بود:

• علامه می فرماید: راه زمینی شدن آدم همین بود که اول به بهشت برود برتری اش بر ملائکه و لیاقتش بر خلیفه الهی بودن اثبات شود و از طرف دیگر دشمنی **شیطان** با آدم علیه السلام مشخص شود و بعد از نزدیکی به آن درخت منع کنند تا به تحریک **شیطان** عورت آدم و همسرش حوا علیهما السلام مشخص شود و بر روی زمین هبوط کنند و ابلیس هم هدفی جز این نداشت که به هر وسیله ای که شده عیب آن دو را ظاهر کند زیرا آنچه که از آیات آدم و همسرش علیهما السلام بر می آید این است که وقتی خلقت آدم علیه السلام بر روی زمین تمام شد بلافاصله بدون آن که متوجه شود عیب هایشان پوشیده شد (چون بر روی زمین گیر عالم ماده نبودند و نظرشان به خدا بود آمدند تا در بهشت امتحان به زمین هم متوجه شوند).

ظهور سوات و تمایلات حیوانی در بهشت برزخی:

• آخرین قله ای که باید در بهشت از آدم علیه السلام دیده می شد **ظهور سوات** بود یعنی تمایلات حیوانی انسان چون آنها جذبه الهی داشتند تمایل به خوردن را ادراک نمی کردند خداوند برد در بهشت که امیال اینها فعال بشود، ساختار وجودی انسان بر روی زمین داشت پیش می رفت وقتی در بهشت قرار گرفت و دست به درخت ممنوعه زد یعنی ظهور سوات اتفاق افتاد خلقت انسان تکمیل شد و این اتفاق باید رخ می داد چونکه در زمین می ماند و بهشت نمی رفت توجه به سوات هم می شد اما در حد حیوان باقی می ماند در بهشت این اتفاق افتاد تا انسانیت باقی بماند خوردن و خوابیدن و... از امیال حیوانی رخ بدهد اما اگر در زمین رخ می داد از مقام **خلیفه الهی** خارج و یک حیوان می شد و احساس برهنگی نمی کرد.

أكل شجرة منهيه و ظهور سوات:

• امام خمینی می فرمایند: پس خطیه آدم علیه السلام و آدمزادگان را مراتب و مظاهریست چنانچه اولین مرتبه آن توجه کثرات اسمائیه است و آخر مراتب آن آكل از شجره منهيه است که صورت ملکوتی آن درختی است که در آن انواع اثمار

و فواکه است و صورت ملکی آن طبیعت و شئون آن است و حب دنیا و نفس که اکنون در این ذریه است و از شئون همان آگل آن است، خطای آدمی این بود که به کثرت اسماء متوجه شد و از کثرت اسماء متوجه کثرت لوازم اسماء شد و از محبوب نظر را قطع کرد و این توجه به غیر در پیشگاه سلاطین مکروه است به خصوص که خلاف قانون حب و محبت باشد لذا شجره، شجره کثرات بود و اصل آن شجر عالم اول و هیولای اولی بود که تعینات در آن استقلال پیدا کرد و شرک ها به وجود آمده و عدمنما ها خود را نمایان کرده باعث وی از غفلت آنچه که باید در مدنظر قرار دهد شد و شاید مراد از شجره منهیة همین باشد که مورد نهی واقع شده بود و شیطان آدم را به این کثرات دینا هدایت کرد و نظر او را از محبوب انحراف و انصراف داد آدم به کیفر نظر به عالم ماده اهباط شد تا از این کثرات سیر کرده و بداند که این کثرات لایق توجه نبوده و این جهنم است.

(نثار تمام شهدای امنیت به خصوص شهید آرمان عزیز
صلوات قرائی بفرستید)

حمیدرضا خاندوزی